

بررسی سریال **Lost in Space** (فصل اول)؛ نگاهی به آینده با طعم گذشته - دیجیاتو

مهرشاد مرادزاده | یکشنبه، ۱۸ شهریور ۱۳۹۷

Lost in Space بازسازی جدید نتفلیکس از سریالی قدیمی به همین نام است و اگر از مخاطبان قدیمی سریال باشید، احتمالاً با آن آشنا هستید. در ادامه با بررسی سریال Lost in Space از دیجیاتو همراه باشید.

بازسازی‌ها در چندین سال اخیر از محبوبیت زیادی میان شبکه‌های استریم برخوردار بوده‌اند و پرچمداران آن‌ها نیز عناوین کلاسیک علمی-تخیلی بوده‌اند.

- کارگردان: اروین الن
- شبکه پخش: نتفلیکس
- ژانر: علمی-تخیلی، ماجراجویی، درام خانوادگی
- بازیگران: مالی پارکر، توبی استیفنز، مکسول جنکینز، تیلور راسل، مینا ساندوال، ایگناچیو سریچیو و پارکی پُزی

احتمالاً پیش خود فکر می‌کنید که این سریال قرار است تا دنیایی تخیلی و در عین حال باورپذیر را به تصویر بکشد که مخاطب را درون خود غرق می‌کند. متأسفانه باید بگوییم که هیچکدام از موارد ذکر شده در این سریال به خوبی وجود ندارند.

Lost in Space سریالی است سرگردان که خود هدفش را نمی‌داند.

[Lost in Space](#) سریالی است که سعی داشته از عناوین بزرگی همچون Star Trek، Alien، Star Wars و پارک ژوراسیک الهام بگیرد و نتیجه آن معجونی شده که هویت نامشخصی دارد و سردرگم به نظر می‌رسد. حتی این تقلیدها تا جایی پیش می‌رود که در چندین قسمت اول، انگار با ساخته اسپیلبرگ طرف هستیم تا یک سریال. این سریال بین اینکه مخاطبانش نوجوانان هستند یا بزرگسالان سرگردان است و بدون هدف پیش می‌رود.



همانند بسیاری از ریوت‌ها این سریال هم بخش‌هایی از منبع الهام خود را در خود جای داده. داستان این سریال از این قرار است. با برخورد شیء فضایی به سطح زمین، حیات رو به انقراض می‌رود و چاره‌ای جز مهاجرت به سیاره‌ای دیگر باقی نمی‌ماند. بنابر این فضاییماهایی ساخته شده و خانواده‌هایی منتخب برای ارسال به سرزمین‌های غریبه انتخاب می‌شوند. این فضاییماها ژوپیتر نام دارند و خانواده رابینسون وظیفه هدایت ژوپیتر بیست و چهارم را بر عهده دارند. این خانواده متشکل از پزشک، نویسنده، ارتشی، دانشمند و یک کودک نابغه است و طی اتفاقاتی از مدارشان خارج شده، مدتی گم شده و از سیاره‌ای قابل سکونت سر در می‌آورند. از اینجای داستان به بعد، خانواده رابینسون تلاش می‌کند تا به دنیایی که پیش‌تر در آن می‌زیستند، بازگردند. در ادامه آن‌ها متوجه وجود موجودات ناشناخته‌ای در سیاره می‌شوند. در کنار تمام این موارد، تنش خاصی هم میان اعضای خانواده وجود دارد.

سوژه خانواده‌ای که در معرض فروپاشی هستند و به سرنوشتی چون طلاق دچار می‌شوند، اصلا جدید نیست و تکراری به نظر می‌رسد. اینجاست که فضای کلی سریال این نکته را از خشکی در می‌آورد و خسته‌کنندگی موضوعات کلیشه‌ای را از بین می‌برد.



سازندگان این سریال به این نکته توجه کرده‌اند که مخاطبان سریال دیگر با حال و هوای چنین تخیلاتی آشنا هستند و میان انبوهی از انتخاب‌ها قرار دارند. در اصل تمام سعی آن‌ها بر این بوده که سبک و سیاق قدیمی سریال کلاسیک و اصلی را به دنیایی مدرن بیاورند و آن را با جلوه‌هایی بصری جذاب‌تر و بهتر نشان دهند. انجام این عمل، کم و بیش موفق به نظر می‌رسد، هر چند که پتانسیل‌های نسخه مدرن به هدر رفته است.

سازندگان از پتانسیل‌های این سریال به راحتی گذشته‌اند.

اتمسفر کلی این سریال سعی دارد تا سریعاً و مرتباً در حال حرکت باشد و خود را همزمان، دوستانه و پر از تنش نشان دهد. لحظات احساسی در آن وجود دارند و سعی شده تا تماشای آن یک تجربه کاملاً سرگرم‌کننده باشد. LiS سریالی نیست که مدتی به آن فکر کنید یا اصلاً به آن فکر کنید، بلکه یک تجربه سرگرم‌کننده است که پس از تماشای آن ذهنتان حتی درگیر آن نمی‌شود. فضای خانوادگی Lost in Space پر تنش است اما هرگز درام کاملی نیست. چرا که روایتی فانتزی و بقا مانند دارد و از جهاتی شبیه فیلم «The Martian» به نظر می‌رسد.



اینکه چنین خانواده‌ای در هر قسمت با چالش متفاوتی رو به رو می‌شوند و با یکدیگر همکاری می‌کنند، سریال را جذاب و باورپذیر کرده. چه در موقعی که مشغول فرستادن سیگنال به سفینه مادر هستند و چه در موقعی که سعی در نجات خود دارند، اتحادی میان آن‌ها شکل می‌گیرد که قابل لمس است.

بازیگران بزرگسال به خوبی در اجرای نقش خود موفق بوده‌اند و بیشتر آن‌ها قابل تحسین هستند. هر چند پارکی پزی در ایفای نقش دکتر اسمیت چندان موفق نبوده و در القای احساس همدردی با دیگر شخصیت‌ها نقص‌هایی دارد.

▪ سریال اصلی *Lost in Space* بین سال‌های 1965 و 1968 از شبکه CBS پخش شد. این مجموعه در آن زمان بیشتر حال و هوای کمدی و فانتزی داشت و مخاطبان آن را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دادند. منتقدان وقت از این سریال به نیکی یاد می‌کرده‌اند و آن را از بهترین‌های زمان خود می‌دانستند. محبوبیت این سریال نیز نزد خانواده‌ها بسیار زیاد بوده است.



مشکلات تأثیرگذاری در شخصیت پردازی این سریال دیده می‌شود. اینطور به نظر می‌رسد که کارگردانی نمی‌تواند به خوبی روند تند مجموعه را حفظ کرده و شخصیت‌ها در طول فیلم تصمیمات عجیبی می‌گیرند. این تصمیمات عجیب موجب خلق صحنه‌های عجیب‌تری می‌شوند. برای مثال بالونی که به خاطر وزش باد کنترل خود را از دست می‌دهد، به راحتی روی زمین فرود می‌آید و انگار نه انگار که اتفاقی رخ داده.



اتفاقات عجیب و غریبی که در سریال رخ می‌دهند به چنان صحنه‌هایی محدود نمی‌شوند، بلکه صحنه‌های مضحکی نیز از علم به تصویر کشیده شده. دریاچه‌هایی که فوراً یخ می‌زنند از جمله این صحنه‌ها هستند. برای همین پیش‌تر نیز اشاره شد که فیلم بدون هدف دنبال می‌شود. اگر قرار بود که نشان دادن تصویر واقعی دنیای آینده یکی از اهداف و دستاوردهای فیلم باشد، چنین مواردی این تجربه را خدشه دار می‌کنند.



Lost in Space هرگز دنیای خود را تاریک نشان نمی‌دهد و همین موجب می‌شود تا مخاطب احساسات در جریان مجموعه را درک نکند و حتی به این مرحله از همذات‌پنداری نزدیک هم نشود.

زوایای دوربین در این سریال قابل تحسین هستند و معمولاً نظر مخاطب را جلب می‌کنند. این زوایا با نورپردازی بسیار خوبی که در طول سریال به آن پی می‌آورید، صحنه‌هایی تماشایی پدید آورده‌اند. درست است که زوایای دوربین در صحنه‌های اکشن به خوبی صحنه‌های ثابت نیستند اما باز هم قابل تحمل‌اند و خیلی ضعیف به نظر نمی‌رسند.



Lost in Space را می‌توان یکی از بازسازی‌های متداول، تکراری و با سطح متوسط دوره کنونی دانست. در نگاه اول، این سریال حرف‌های زیادی برای گفتن دارد اما پس از مدتی احساس می‌شود تکلیف خود سازنده با فیلم مشخص نیست. داستانی کلیشه‌ای که مخاطب آن را بارها و بارها در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف دیده، در این سریال هم دیده می‌شود، فقط با همراهی اکشن‌هایی سریع و بودجه‌ای کلان. اگر فقط و فقط به دنبال سرگرم شدن هستید و معیارهای سخت‌گیرانه‌ای ندارید، این سریال با اتمسفر گیرای خود می‌تواند نظر شما را جلب کند.

نظر شما در مورد سریال Lost in Space چیست؟ آیا این سریال انتظارات شما را برآورده کرده است؟

[دیجیاتو](#)